



وضعیت زنان و کودکان در شب یازدهم / فرستادن سر مبارک امام به کوفه / وقایع پس از غروب عاشورا

شب یازدهم، شب آمادگی برای رنج های بزرگ تر بود. کربلا پایان نیافته بود، اکنون آغازی در پایان برای رسالت سنگین زینبی بود... / قدم به قدم با تاریخ واقعه کربلا ...

شب یازدهم، شب آمادگی برای رنج های بزرگ تر بود. کربلا پایان نیافته بود، اکنون آغازی در پایان برای رسالت سنگین زینبی بود... / قدم به قدم با تاریخ واقعه کربلا

عاشورا به شام رسید ... شامی که شام غریبی و بی کسی زنان و کودکان کاروان امام بود ... برای خواندن آنچه از صبح عاشورا تا پیش از غروب و شهادت امام حسین(ع) گذشت، **اینجا**، **اینجا** و **اینجا** را بخوانید. گلچین خبرآنلاین از وقایع مربوط غروب روز عاشورا و پس از آتش زدن و غارت خیمه ها را به نقل از پژوهش های دکتر محمدرضا سنگری در ادامه می خوانید.

غروب روز عاشورا در کربلا

کم کم غروب فرا رسید و هوا به تاریکی گرایید. گرد و غبار فرو نشست. سپاه عمر سعد پس از غارت و جنایات و سوزاندن خیمه ها بازگشتند.

آرام آرام غوغا و هیاهو فرو خوابید. دشت ماند و شهیدان و کودکان و زنان سرگشته، داغ دیده، اموال به تاراج رفته، زخم دیده و تازیانه خورده. امام سجاد (ع) به حضرت زینب و دیگر زنان فرمان داد به جست و جوی دخترکان و پسرکان سوگوار و پریشان بپردازند.

کمی پیش از این، عمر سعد دستور داده بود سر مقدس امام حسین (ع) را به کوفه بفرستند و بشارت فتح و ظفر را به عبدالله زیاد برسانند. این مأموریت به خولی بن یزید و حمیدبن مسلم ازدی سپرده شد.

زینب کبری، به فرمان امام سجاد(ع) هر سو را می گشت. همه را جمع کرد. دو کودک را نیافت. سر انجام آن دو را پای درختی یافت که دست در گردن، هم از تشنگی جان داده بودند. در بحارالانوار روایتی است که مؤید این رخداد است: ای موسی، کودکانشان از تشنگی می میرند و پوست تن بزرگان آنها خشک و کشیده می شود.

نویسنده کبریت احمر معتقد است این دو کودک از فرزندان سید الشهداء نبوده اند. درباره ی این دو کودک، در مقاتل متقدم اشاره ای نیست اما در کتب متأخر گاه گاه اشاراتی شده است که برخی دو پسر، برخی دو دختر و برخی یک پسر و یک دختر نگاشته اند.

در مقاتل متأخر تعداد کودکان را ۲۳ تن نوشته اند که در غروب عاشورا پس از به آتش کشیدن خیمه ها، بیرون آمدند و در دشت پراکنده شدند.

نفس المهموم به نقل از تاریخ طبری می نویسد: عمر سعد غروب و شامگاه عاشورا همه ی کشتگان سپاه خود را جمع کرد و بر آنها نماز گزارد و اجساد یاران امام را در دشت رها کرد.

وضعیت زنان و کودکان در شب یازدهم

زنان و کودکان و بازماندگان در کربلا، در این شب غم بار و دردناک با وضعیت و موقعیت تلخ و سختی مواجه بودند:

۱. همه ی خویشاوندان و یارانی را که شب پیش در کنار خود داشتند در میدان جنگ کشته می دیدند. در آتش زدن خیمه ها و فرار در میدان، اجساد شهدا پیش چشم زنان و کودکان بود.

۲. همگان بر اثر زخم تازیانه و ضربه ی نیزه و دویدن در خارزار کربلا توان و قدرت حرکت نداشتند.

۳. گرسنگی، تشنگی، خستگی و بی خوابی مزید بر همه ی رنج ها و دردها بود.

۴. هر کس داغ عزیز و یا عزیزی را در دل داشت.

۵. خیمه ها که پناه و مسکن آنان بود در آتش سوخته و غارت شده بود. از حضرت رضا (ع) آمده است که: به خیمه های ما آتش زدند و هر آنچه ارزشمند و گران بها بود، ربودند و حرمت خانواده ی رسول خدا (ص) را پاس نداشتند.

۶. وضع لباس و پوشش زنان و کودکان مناسب نبود، در لهوف آمده است: زنان خیمه نشین سر برهنه و جامه ربوده و برهنه پا و شیون کنان خارج شدند و آنان را شکسته و اسیر (به کوفه) بردند.

۷. وضعیت بازماندگان به گونه ای بود که آن شب خواب به چشم ها نیامد. این نکته را از حضرت سکینه نقل کرده اند که در این شب غریب خواب به چشم ها نیامد.

۸. دشمن، خسته از نبرد روز، پس از جشن و پای کوبی و احساس نبود رقیب در کربلا، به خواب و استراحت پرداخت.

۹. حضرت زینب (س)، علی رغم همه ی آلام و رنج ها و زخم ها، در آن شب - به نقل از امام سجاد (ع) - نماز شب خود را نشسته برگزار کرد. امام در آخرین لحظه های وداع به وی گفته بود: خواهرم در نافله ی شب مرا یاد کن.

۱۰. در این شب حضرت زینب (س) در کنار خیمه های سوخته با خدای خویش نجوا می کرد و اشک ریزان می گفت: ای تکیه گاه کسی که جز تو تکیه گاهی ندارد، ای پشتوانه ی کسی که تنها پشتوانه اش تویی، ای خدایی که سیاهی شب و روشنایی روز و درخشش خورشید و صدای نرم درخت و زمزمه ی آب بر تو سجده می کنند ای خدا، ای خدا!

لطافت روح زینب، عظمت نگاه او و آرامشی که در این دشت طوفان زده در جان اوست از لا به لای این نیایش پیداست.

فرستادن سر مبارک امام به کوفه

پس از شهادت امام، در همان روز، عمر سعد به خولی بن یزید و حمد بن مسلم سر امام را سپرد تا آن را به کوفه برسانند. گویا شمر بن ذی الجوشن، قیس بن اشعث و عمرو بن حجاج را نیز با آنان روانه کرد و خود تا ظهر روز یازدهم در کربلا ماند و سپس عازم کوفه شد.

با رسیدن به کوفه - که احتمالاً شب هنگام بود - خولی سر را به خانه برد، چون در آن وقت شب امکان رفتن به کاخ عبیدالله زیاد نبود. خولی سر را در تنور خانه گذاشت (یا زیر تغار) و به بستر رفت تا بخوابد. خولی دو زن داشت یکی از بنی اسد و دیگری نوار دختر مالک.

آن شب، نوار در منزل بود. به خولی گفت: چه خبر داری؟ پاسخ داد: ثروت یک عالم را همراه آورده ام. سر حسین بن علی در منزل ماست. نوار گفت: وای بر تو! مردم زر و سیم می آورند و تو سر فرزند پیامبر (ص) را! به خدا سوگند دیگر هرگز با تو سر بر یک بالین نخواهم نهاد. نوار خود گوید: از بستر برخاستم و به حیاط آمدم. به دیدار سر مطهر رفتم. ستونی از نور را دیدم که به آسمان سر کشیده بود و پرندگانی سپیدبال اطراف آن می چرخیدند.

ماجرای سر در تنور خولی را به گونه ای دیگر نیز نگاشته اند.

رباب و سوک سروده اش

رباب، همسر وفادار امام حسین (ع) که کودک شیر خواره اش نیز به شهادت رسیده بود، در آن شب غریب و غم بار - شاید در کنار خیمه ی سوخته - این گونه می سرود و می گریست:

آنکه خود نور بود و سرچشمه ی روشنایی، کشته شده و پیکرش بر زمین مانده است.

ای پسر پیامبر، خداوند پاداش نیکویت دهد و از زیان ترازوی قیامت دور بدارد.

تو همچون کوهی بودی که با ما با مهرورزی و دین ورزی رفتار می کردی.

پس از تو چه کسی یار یتیمان و نیازمندان و درماندگان خواهد بود!

پس از تو تنها خواهم ماند تا آنگاه که در میان ریگزار و خاک دفن شوم.

آغازی بر یک رسالت بزرگ

شام غریبان خانواده ی پیامبر و شکیبایان عاشورا، با آه و درد و سوز و ساز و نماز و زمزمه به صبح رسید. گویا اندک آبی نیز به آنان رساندند. حتی نوشته اند که دختر کوچک حسین، با دیدن آب گریست و ظرف را در دست گرفت تا به گودال قتلگاه برساند.

امام سجاد (ع) در این لحظه ها در تب می سوخت. حضرت زینب تمام شب در کنار او به عبادت و پرستاری مشغول بود. او تنها یادگار پسر از امام و ذخیره ی الهی بود که باید از جان او محافظت می شد.

شب یازدهم، شب آمادگی برای رنج های بزرگ تر بود. کربلا پایان نیافته بود. اکنون آغازی در پایان بود و بدایت رسالت سنگین زینبی، شاید هم در طول شب، حضرت زینب (س)، زمینه ها را برای روزهای دشوار بعدی و تحمل رنج های اسارت آماده می کرد و کودکان و زنان را به صبوری، وقار و عکس العمل مناسب در مقابل دشمن توصیه می کرد.